۱+۱۲ ترین جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر

ترین‌های دوست‌داشتنی!

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر هم با اعلام برگزیدگان، به کار خود پایان داد؛ جشنواره‌ای که پیش از آغاز آن، تصور می‌شد دوره‌ای متوسط را پیش‌رو داشته باشد اما هر چه جلوتر رفتیم، مشخص شد که نام فیلم‌ها روی کاغذ، خیلی بزرگ‌تر و برجسته‌تر از خود آنها در سالن سینما هستند. در سالی که نظم سالن رسانه‌ها در پردیس ملت، مثال‌زدنی‌تر از ادوار اخیر خود بود، فیلم‌ها، حرارت خاصی را برای مخاطبان‌شان رقم نزدند تا با دوره‌ای نسبتا خنثی مواجه باشیم؛ دوره‌ای که قطعا چیدمان اکران سال آینده را تحت‌الشعاع بار کیفی خود قرار خواهد داد. اما هر چه بود، جشنواره امسال، تنوع موضوعی خوبی داشت. ژانرهای متعددی به نسبت دوره‌های اخیر خود شاهد بود که دست مخاطب را برای انتخاب و تماشا، تا حدودی باز گذاشته بود. همچنین در این دوره، نشانه‌هایی چون استعمال مواد مخدر، شرب‌خمر و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی به نسبت سایر ادوار جشنواره، بیشتر دیده شد. با توجه به این تنوع، جشنواره، در چند شاخه، «ترین»هایی داشت که در ادامه به مهم‌ترین آنها خواهیم پرداخت.

۱ ترسناک‌ترین فیلم‌ها
آن شب

یک کلاژ خیلی معمولی از سینمای وحشت این سال‌های آمریکا. بیش از آنکه در گونه وحشت باشد، سایکودرامی بود که قصد داشت با المان‌های سینمای وحشت، به درون آدم‌ها نقب بزند. فضاسازی فیلم خوب بود اما شیوه پرداخت، مخاطب را ذوق‌زده نمی‌کرد. نوعی محافظه‌کاری در سراسر اثر حس می‌شد که برخلاف جریان معمول سینمای وحشت با حتی درام‌های روان‌شناختی است. با این حال، حضور شهاب حسینی، مخاطبان بسیاری را به سمت این فیلم کشاند.

پوست

ساخته برادران ارک، مانند فیلم کوروش آهاری، فیلمی در ژانر وحشت نبود. نشانه‌هایش را داشت و در لایه‌های زیرین روایت، داستان مستقل خود را که بیشتر رنگ‌وبویی اجتماعی داشت، دنبال می‌کرد. برخلاف آثاری با المان‌های سینمای وحشت، استفاده کمتری از موسیقی داشت و تاثیرپذیری‌اش از گونه وحشت، بیشتر معطوف به فضاسازی‌های شبانه کار و سایه‌ها بود. با این حال تعلیق کار تا پایان، مخاطب را به دنبال کردن اثر تشویق می‌کرد.

۲ اجتماعی‌ترین فیلم‌ها
شنای پروانه

فیلم، برش آگاهانه و جامعی از اجتماع است. گرچه دوربین، خود را به سمت طبقه‌ای می‌برد که بزه‌کاری بیشتری در آنها دیده می‌شود. تعدد چهره‌ها و تیپ‌هایی که دوربین سراغ آنها می‌رود، جامعیت نگاه و آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد که چون قصه حول همین چهره‌ها می‌گردد و قرار است پازل روایت با اظهارات اینها تکمیل شود، تم اجتماعی و آسیب‌شناسانه کار، شکل شعاری به خود نمی‌گیرد. «شنای پروانه» یکی از صریح‌ترین آثار اجتماعی به مفهوم جزئی‌نگر تمام این سالیان سینمای ایران است.

سگ کام جیس

قطار کردن حجم زیادی از سیاهی‌ها و تلخی‌ها در فیلم جدید سامان سالور، حکم یک کیک تولد را دارد که از هر جای آن برش بزنیم، ملغمه‌ای از معضلات و آسیب‌های اجتماعی را در آن مشاهده می‌کنیم. فیلم اگرچه زیرباز عناوینی چون «سیانما»، «شعاری»، «تاریخ مصرف گذشته» و... قرار دارد اما یک فیلم اجتماعی است و توانسته نشانه‌های واضحی از آسیب‌های اجتماعی پیدا و پنهان این سال‌ها را به تصویر بکشد ولو دریچه نگاه کارآکترز که این کاره نیست و یکی از انسان‌های معمول (و نه تابلو) اجتماع است.

دوزیست

رگه‌های اجتماعی‌اش، کمتر از دو فیلم قبلی است، چون دوربین، کمتر از دو اثر قبلی به اجتماع می‌رود. بیشتر در خانه است و با آدم‌هایی آنجا سروکله می‌زند اما چون تیپ‌ها، نمایندگان خوبی از اجتماع خود هستند، به‌خوبی می‌توانند زاویه دید آنها را در سطح کلان مورد پردازش قرار دهد. جان فیلم این است که خنثی‌ترین آدم‌های جامعه (مانند آن شخصی که در تابان فیلم با دختر فرار کرد) توانمندی زیرآبی رفتن را دارند. ساخته بروز نیک‌نژاد برخلاف دو فیلم قبلی که صراحتا سراغ آفت‌ها و معضلات اجتماعی رفتند، نوع رفتاری و هیجانی آسیب‌های اجتماعی را زیر ذره‌بین قرار داده است.

۳ شاعرانه‌ترین فیلم‌ها
تحمید کاوسنیه

مانند اثر قبلی کارگردانش (احتمال باران اسیدی) پر از سمبل‌های شاعرانگی است. از باران‌های شبانه گرفته تا تنهایی و شعر و درون انسان‌ها. چندان متوجه بیرون زندگی‌ها نیست. حتی نام فیلم هم استعاره‌ای زیباست که وجود شاعرانه دارد. یک رمنس خفیف راهم در زیرلایه خود تجربه می‌کند که دوست‌داشتنی است. زاویه دوربین‌ها با توجه به جنس آرام درام، «احساس» را به‌خوبی به مخاطب منتقل می‌کند. فیلم‌ها هیچ گونه ادعایی نتوانسته نظر منتقدان و مخاطبان را با هم داشته باشد.

آتابای

فیلم کمی کریمی بیشتر از فیلم بهتاش صناعی‌ها، ادعای شاعرانگی دارد اما بازنده کمتری به نسبت آن فیلم در مخاطب دارد. او تلاش کرده از المان‌های ظاهری شاعرانگی، بهره کمتری ببرد و دوربین را بیشتر معطوف درون شخصیت‌هایش کند. قطعا یکی از بهترین ساخته‌های کریمی است که جنس بازی‌های کنترل‌شده و درونی، خیلی به تداعی مفاهیم شاعرانه اثر کمک کرد. گرچه آن پایان تلخ، سنگینی جنس شاعرانه و آرامشی را که باید از بابت آن متوجه مخاطب می‌شد، خوشایند نکرد.

۴ پرتعلیق‌ترین فیلم‌ها
روز صفر

یک تریلر جاسوسی نفسگیر و بسیار خوب که تعلیقش، از همان نخستین دقایق به جان مخاطب می‌افتد و تا پایان در آن مشاهده می‌کنیم. فیلم اگرچه زیرباز عناوینی چون «سیانما»، «شعاری»، «تاریخ مصرف گذشته» و... قرار دارد اما یک فیلم اجتماعی است و توانسته نشانه‌های واضحی از آسیب‌های اجتماعی پیدا و پنهان این سال‌ها را به تصویر بکشد ولو دریچه نگاه کارآکترز که این کاره نیست و یکی از انسان‌های معمول (و نه تابلو) اجتماع است.

دوزیست

رگه‌های اجتماعی‌اش، کمتر از دو فیلم قبلی است، چون دوربین، کمتر از دو اثر قبلی به اجتماع می‌رود. بیشتر در خانه است و با آدم‌هایی آنجا سروکله می‌زند اما چون تیپ‌ها، نمایندگان خوبی از اجتماع خود هستند، به‌خوبی می‌توانند زاویه دید آنها را در سطح کلان مورد پردازش قرار دهد. جان فیلم این است که خنثی‌ترین آدم‌های جامعه (مانند آن شخصی که در تابان فیلم با دختر فرار کرد) توانمندی زیرآبی رفتن را دارند. ساخته بروز نیک‌نژاد برخلاف دو فیلم قبلی که صراحتا سراغ آفت‌ها و معضلات اجتماعی رفتند، نوع رفتاری و هیجانی آسیب‌های اجتماعی را زیر ذره‌بین قرار داده است.

۳ شاعرانه‌ترین فیلم‌ها
تحمید کاوسنیه

مانند اثر قبلی کارگردانش (احتمال باران اسیدی) پر از سمبل‌های شاعرانگی است. از باران‌های شبانه گرفته تا تنهایی و شعر و درون انسان‌ها. چندان متوجه بیرون زندگی‌ها نیست. حتی نام فیلم هم استعاره‌ای زیباست که وجود شاعرانه دارد. یک رمنس خفیف راهم در زیرلایه خود تجربه می‌کند که دوست‌داشتنی است. زاویه دوربین‌ها با توجه به جنس آرام درام، «احساس» را به‌خوبی به مخاطب منتقل می‌کند. فیلم‌ها هیچ گونه ادعایی نتوانسته نظر منتقدان و مخاطبان را با هم داشته باشد.

آتابای

فیلم کمی کریمی بیشتر از فیلم بهتاش صناعی‌ها، ادعای شاعرانگی دارد اما بازنده کمتری به نسبت آن فیلم در مخاطب دارد. او تلاش کرده از المان‌های ظاهری شاعرانگی، بهره کمتری ببرد و دوربین را بیشتر معطوف درون شخصیت‌هایش کند. قطعا یکی از بهترین ساخته‌های کریمی است که جنس بازی‌های کنترل‌شده و درونی، خیلی به تداعی مفاهیم شاعرانه اثر کمک کرد. گرچه آن پایان تلخ، سنگینی جنس شاعرانه و آرامشی را که باید از بابت آن متوجه مخاطب می‌شد، خوشایند نکرد.

۴ پرتعلیق‌ترین فیلم‌ها
روز صفر

یک تریلر جاسوسی نفسگیر و بسیار خوب که تعلیقش، از همان نخستین دقایق به جان مخاطب می‌افتد و تا پایان ۱۲۰ دقیقه رهایش نمی‌کند. فیلم، یک تعلیق مرکزی دارد که مربوط به فرآیند دستگیری عبدالمالک ریگی است. در بدنه روایت نیز خرده‌تعلیق‌هایی به فراخور موقعیت شکل می‌گیرند که به جذابیت داستان و اشتیاق او برای پیگیری بیشتر قصه کمک بزرگی می‌کند. این رویکرد با توجه به سرپا بودن ریتم تند روایت در تمامی لحظات فیلم، از نخستین ساخته سینمایی سعید ملکان، یک فیلم پرتعلیق ساخته. نوع موسیقی و فیلمبرداری هوشمندانه کار در نشست کردن این هیجان به مخاطب کمک بسیاری نمود.

کشتارگاه

اگرچه افتتاحیه گنگی دارد که تا زمان رمزگشایی، بیش از نیمی از فیلم را قربانی می‌کند اما خوبی آن افتتاحیه، بار تعلیقی است که به مخاطب وارد می‌شود. تا نیمه‌های داستان، مخاطب درگیر هجمه تعلیقی ناشی از ریزجزئیات اتفاق آن شب است و در نیمه دوم، تمام حواس وی متوجه هیجانی است که می‌خواهد بداند با توجه به فاکتورهایی که روایت از آن سه مرده می‌دهد، حالا واکنش خانواده آنها در قبال این اتفاق چیست، آن هم وقتی نمی‌توانند پای قانون را وسط بکشند. «کشتارگاه» به نسبت «روز صفر»، تعلیق درست‌تری ندارد و بار تعلیقی کار، بیش از آنکه در خدمت درام باشد، در خدمت پر کردن حفره‌ها و پاک‌های روایت قرار دارد.

۵ دفاع مقدسی‌ترین فیلم‌ها
آبادان، یازده ۶۰

تنها فیلم دفاع مقدسی جشنواره امسال که دوربین در تمام لحظاتش، در میدان‌های نبرد قرار دارد. فیلم توانسته با بهره‌مندی از یک داستان فشرده و پرتراژ، در مقام داستانگو، روایتی جذاب از روزهای آغازین جنگ و پیروز آن سقوط خرمشهر را به تصویر بکشد. گرچه روایت، خیلی جلوتر از فرم قرار دارد و در شکل نظامی و نوع مبارزه‌ها، نوآوری چندانی در فیلم مشاهده نمی‌شود. با این حال، فیلم تا روزهای آخر در مراتن، بهترین فیلم از نگاه مردمی قرار داشت.

درخت گردو

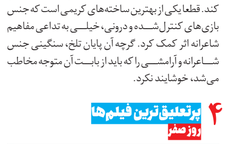

در فیلم محمدحسین مهدویان، جنگ، موتور محرکه داستان است. گرچه دوربین، نه در خط مقدم حضور دارد و نه راوی داستانی کلیشه‌ای از جنگ است. فیلم در همان لحظات آغازین، یک تهاجم هوایی را به تصویر می‌کشد که اکشن است. جرقه دایره باروت‌پذیری فیلم از همین لحظات آغاز می‌شود و البته فوکوس معناداری که دوربین روی فشردن دکمه‌ای می‌کند که منجر به شیمیایی شدن آن روستای مرزی می‌شود. البته که آن اغتشاشات شهری فیلم، چیزی کمتر از به تصویر کشیدن یک شهر جنگی نداشت و فضاسازی و اجرا با مهارت خاصی پیاده شد.

خورشید

بازگشت مجید مجیدی به سینمایی که همواره آن را دوست داشت، نوید‌دهنده بازگشت نگاه انسانی و شریف به سینمای اوست. نگاهی که تم اصلی ساخته‌های این کارگردان در دهه ۷۰ و ۸۰ بود. مجیدی این بار سراغ کودکان کار رفت و توانست از دریچه یک نگاه پرسشگر، به ظرایف زندگی این طیف بپردازد. گرچه تلاش برای زیالیته شدن این نگاه و پرهیز از داوری و ترحم‌آفرینی از جمله امتیازاتی است که «خورشید» در پس یک نگاه شریف با خود همراه دارد.

لباس شخصی

برخلاف روح فیلم که به تهران تعلق دارد، اثر، یک سکانس جانانه جنگی هم دارد که به لحاظ اطلاعاتی، هسته ابتدایی روایت اصلی فیلم از آنجا آغاز می‌شود. در همین تک سکانس، کارگردان تلاش محترمی نشان داده که یک منطقه جنگی درست با با تمام محدودیت‌ها و الزام‌هایش به تصویر بکشد. غنیمت اطلاعاتی که فیلم از این سکانس می‌برد، در پیشبرد درام بسیار موثر است. هرچند پروسه حذف دکتر نیز با مصلحت‌اندیشی این سکانس دفاع مقدسی، با هوشمندی و ذکاوت بالایی نشان داده شده است.

۶ انسانی‌ترین فیلم‌ها
ابر بارانش گرفته

فیلم، دایرمدار مشی‌ای انسانی است که از دریچه نگاه یک پرستار به مخاطب منتقل می‌شود. فارغ از شدایدی که این پرستار در بیمارستان با آن مواجه است، نوع تقابل او با زندگی خانوادگی خود و زاویه‌ای که از این تعهد به این نگاه انسانی با همسرش پیدا می‌کند، قابل ستایش است. آنچه محترم‌تر است این است که فیلم نخواسته از تقابل این نگاه شریف، با معضلاتی که برایش به وجود می‌آید، به هیجانات دراماتیک برسد؛ این نگاه انسانی، قابل تقدیر است.

بی‌صدا حزنون

فیلم بی‌ادعایی است. اگرچه برخلاف دو فیلم قبلی، رگه‌های خفیفی از خشونت اجتماعی در آن دیده می‌شود اما آرمان فیلم، انسانی است. اول به این دلیل که خواسته نگاهی حقیقی از آدم‌های ناشنوا و کم‌شنوا در اجتماع داشته باشد و به دنبال تحت‌تاثیر قرار دادن کاذب مخاطب از این مسیر نیست و دوم آنکه فیلم آشکارا نخواسته از ضعف جسمانی این افراد، به‌عنوان پله‌ای برای بالا بردن آدم‌های نرمال استفاده کند و به این ترتیب به گرم شدن تنور درام، کمکی تصنعی داشته باشد. این دو غایت فیلم، به‌شدت انسانی و محترم است.

۷ خشن‌ترین فیلم‌ها
خون شد

چند سالی می‌شد که کیمیایی به لحاظ چگالی خشونت در فیلم‌هایش، مانند دهه‌ها قبل عمل نکرده بود. «خون شد» همان گونه که از نامش پیداست، فیلم خشنی است مخصوصا در نیمه دوم خود. درگیری‌های زیاد و جنس رگیکی که از خشونت در فیلم نشان داده می‌شود؛ از شیوه عجیب شکستن دست‌ها را به تا نحوه چاقو زدن و انداختن نانوا در تنور داغ و البته آن سکانس درگیری خیلی شلوغ و طولانی در مرکز تجارت فردوسی، همان سینمای اصیل کیمیایی است که طی این سال‌ها کمتر به آن پرداخته شده بود.

شنای پروانه

با اینکه فیلمی اجتماعی است اما خشونت سلبی و ایجابی آن خیلی زیاد است. مخصوصا اینکه فیلم در نیمه نخست خود، داستان صریح‌تری از گنده‌لات‌های محل به تصویر می‌کشد. در نیمه دوم، داستان، کمی فردیت پیدا کرده و به آن خشونت جمعی و محلی، بحث انتقام کارآکتر اصلی (جواد عزتی) هم افزوده می‌شود. فیلم فارغ از خشونت‌های فیزیکی، در نشان دادن صریح زمختی‌های اجتماعی نیز ملاحظه‌ای نداشته و با تمام قوا به این تصویرگری می‌پردازد.

۸ جاسوسی‌ترین فیلم‌ها
روز صفر

آنچه سبب محبوبیت «روز صفر» می‌شود، تم جاسوسی فراگیری است که یک لحظه هم فیلم را رها نمی‌کند. داستان فیلم از لحظه اول تا پایانش، یک دقیقه از جریان تعقیب و گریز جدا نشده و مناسبات خانوادگی یا کاری را وارد این غائله نمی‌کند. این طور است که برخی در مقام انتقاد، ناشناخته ماندن کارآکتر رضا (امیر جدیدی) را مطرح می‌کنند که تماما در خدمت تریلر است. نکته خوب روز صفر، بهره‌مندی از متدهای جدید و به‌روزتری از فرآیند جاسوسی است که با شتاب بالایی در فیلم نشان داده می‌شود.

لباس شخصی

تمام فیلم مبتنی بر جاسوسی از نوع چریکی است. شکلی از جاسوسی که خودسری‌های نیروهای انقلابی ابتدای دهه ۶۰ را به تصویر می‌کشد. آن هم بدون پشتوانه‌های اطلاعاتی امروز و البته به صورت یک‌تنه. لحظاتی که دوربین، قهرمانش را تنها گذاشته و مخاطب در گرگ و میش پذیرفتن یا نپذیرفتن خودی بودن قهرمانش است، از مهم‌ترین امتیازات کیفی است که فیلم توانسته آن را ایجاد کند. در پایان و وقتی تکه‌های پازل کنار هم قرار گرفته می‌شود، اگرچه قهرمان برجسته می‌شود اما انتقادهای روشنی به جنس هوشمندی و مسیر آگاهی پیش‌دستانه وی وارد می‌آید.

۹ تله‌فیلم‌ترین فیلم‌ها
پدران

فیلم می‌خواهد شجاعت داشته باشد و به همین دلیل دستاورهایی چون سیگار و اعتیاد را مطرح می‌کند. در ادامه، جدال پدران به تصویر کشیده شده که محافظه‌کارانه و فارغ از آن ایده‌آل‌های رئالیستی است. «پدران» تمام ایده‌آل‌های یک تله‌فیلم تلویزیونی را با خود همراه داشته و بعید است در صورت ارائه به تلویزیون، با ممیزی خاصی مواجه شود.

دشمنان

قرار است یک جنون را ببینیم. جنونی که از جانب یک پیرزن ساطع می‌شود اما هیچ چیزش شبیه جنون‌های آرام نیست. برخی جنون‌ها در آرامش، ترسی را به مخاطب القا می‌کنند که وحشتش به مراتب بیشتر از جنون‌های زنجیری وخشن است. در «دشمنان»، نریشن به کمک فیلم نمی‌آید. کادرها تماما تلویزیونی هستند و روح محافظه‌کاری در همه لحظات فیلم احساس می‌شود. با اینکه از استانداردهای خوبی در کلیت اثر استفاده می‌شود، خلأهای فضاپردازی جنون سبب شده که فیلم، بیشتر به یک تله‌فیلم سفارشی نزدیک شود.

۱۰ کم‌انتظارترین فیلم‌ها!
روز صفر

معادله این سال‌های حاتمی کیا برخلاف آنچه تصور می‌شود، مسبوق به سابقه است. او در نیمه دوم دهه ۸۰ زمانی که احساس می‌شد به دنبال یک تغییر فاز در فیلمسازی است، آثار بی‌ربطی نسبت به سینمایش ساخت نظیر «دعوت» یا «گزارش یک جشن». این کارها در حکم آزمون و خطایی بود که راه جدیدش را پیدا کند؛ راهی که درنهایت به سه‌گانه‌ای هدف‌مند و اکشن رسید. حالا اما حاتمی کیا باز به دنبال مسیری تازه در فیلمسازی است که «خروج» حکم همان آزمون و خطاها را در او دارد. اگرچه ظواهر کار به مانند سینمای همیشگی اوست اما ایده‌آل‌ها و جنس دغدغه‌ها، چیز دیگری می‌گویند.

درخت گردو

شاید اگر این فیلم بلافاصله قبل یا بعد از «ایستاده در غبار» ساخته می‌شد، به فیلم کمتر از حد انتظاری در سینمای مهدویان تبدیل نمی‌شد. مهدویان بلافاصله پس از «ایستاده در غبار» که یک مستند داستانی تمام‌عیار بود، وارد پروسه داستانگویی شد و فیلم به فیلم هم بر غلظت داستانی آثارش اضافه کرد. «درخت گردو» اما فیلم داستان نیست؛ ضدقصه عمل می‌کند. همان مستند داستانی است که به تبعات یک خانواده از بابت حمله شیمیایی اشاراتی دارد. فیلم در کنار امتیازات بسیاری که دارد، در ادامه مسیر فیلمسازی مهدویان قرار ندارد و دوستدارانش هم انتظار نداشتند که با فیلمی در چنین مختصاتی مواجه شوند.

۱۱ پرحاشیه‌ترین نشست‌ها
خروج

نشست جشنواره‌ای فیلم‌های ابراهیم حاتمی کیا، حداقل طسی یک دهه اخیر، همواره به محلی برای اعتراض تبدیل شده است. این بار اما چاشنی این اعتراض‌ها بیشتر از همیشه آماده بود. از صحبت‌هایی که گوشه‌وکنار از کیفیت خروج شنیده می‌شد تا خارج شدن فیلم از آرای برتر مردمی. حاتمی کیا در ابتدای نشست تلاش کرد پاسخ‌هایی بسیار کوتاه به انتقادهایی که چندان به فیلمش وارد نمی‌دانست، بدهد. در ادامه اما بر شدت انتقادها از جهان‌بینی فیلم افزوده شد و نتیجه، صداهای بلندی بود که از سوی دوطرف به یکدیگر حواله می‌شد. مخصوصا از جایی که حاتمی کیا عنوان کرد: «عادت دارم به تحویل نگرفتن فیلم‌هایم در جشنواره.» از این به بعد، پرسش‌ها بی‌ربط به فیلم خروج بود و بیشتر به حواشی چون ساکت ماندن کارگردان در قبال حوادث اخیر معطوف می‌شد. در این بین، فرامرز قریبیان برای دقایقی، کنترل جلسه را برعهده گرفت که این کنترل نیز با اعلام خداحافظی او با دنیای سینما و البته اعلام پشت‌پرده «اوری» ها در جشنواره فجر، بار دیگر نشست را به سمت حاشیه برد. گرچه باید اعتراف کرد که با این ترفند، بار روانی فشار، از روی حاتمی کیا برداشته و توجهات به سمت قریبیان و گفته‌هایش جلب شد.

آتابای

اگر تا کنون تصور می‌کردید که هادی حجازی‌فر مانند شخصیت‌هایش در ماجرای نیمروز «لاتاری»، آدم زودجوشی نیست، سخت در اشتباه هستید. حداقل آنکه وی در نشست پرسش و پاسخ فیلم «آتابای»، وجه دیگری را- از آنچه نسبت به او سراغ داشتیم- نشان داد. ماجرا از جایی آغاز شد که خبرنگاری از نیکی کریمی پرسید در سرزمین ایران و در حالی که برای مخاطبی فراگیر فیلم ساخته‌اید، چرا از زبان آذری استفاده کرده‌اید؟ پس از پاسخ‌های کریمی که با ناراحتی ادا می‌شد، حجازی‌فر میکروفونش را روشن کرد و سوال‌کننده را به نگاه فاشیستی متهم و در ادامه بحث این دو، با صدایی بلند و برای لحظاتی طولانی، فضای نشست را متشنج کرد. برخی شنیده‌های غیررسمی نیز حکایت دارد که حجازی‌فر گفته اگر روی سن نشسته بود، با آن سوال کننده، دست به یقه می‌شد.

شنبه

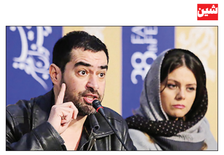

فیلم خارج از مسابقه‌ای که در ساعت ۲۲ شنبه به روی پرده رفت و شهاب حسینی به‌عنوان تهیه‌کننده، در نیمه‌شب مقابل خبرنگاران نشست، فارغ از سوالاتی فرعی نظیر اینکه چرا در جشنواره کن، جایزه‌ات را به امام زمان(عج) تقدیم نکردی و... که فضای نشست را ملتهب کرد، آنچه به‌عنوان خروجی این نشست بیرون آمده و هنوز هم حواشی بسیاری را به دنبال دارد، انتقادی بود که شهاب حسینی از مسعود کیمیایی مطرح کرد. حسینی در این نشست، ضمن محکوم کردن رفتار کسانی که به بهانه سوگواری، جشنواره فجر را تحریم کردند، بدون نام بردن از کیمیایی به وی تاخت و اعلام کرد که ایشان روغن ریخته را نذر امامزاده کرده و چون می‌داند فیلم‌هایش طی این سال‌ها چه جایگاهی دارد، پیشاپیش به این ترتیب، فرار رو به جلویی داشته است. این صحبت‌ها که بزرگ‌ترین حاشیه این نشست بود، طی این روزها، از سوی افراد و نهادهای مختلفی از جمله صنف کارگردانان خانه سینما محکوم شده است. هر چند اخباری غیررسمی، از دیدار حسینی و کیمیایی و آشتی این دو حکایت دارند اما حواشی این اظهارنظر و کسانی که این حرکت حسینی را محکوم می‌کنند، همچنان ادامه دارد.

۱۲ جنجالی‌ترین فیلم‌ها
درخت گردو

اطلاعات چندانی که تا پیش از نمایش فیلم در پردیس ملت از درخت گردو منتشر نشد، میزان حرارت و کنجکاوی کیفیت خروج شنیده می‌شد تا خارج شدن فیلم از آرای برتر مردمی. حاتمی کیا در ابتدای نشست تلاش کرد پاسخ‌هایی بسیار کوتاه به انتقادهایی که چندان به فیلمش وارد نمی‌دانست، بدهد. در ادامه اما بر شدت انتقادها از جهان‌بینی فیلم افزوده شد و نتیجه، صداهای بلندی بود که از سوی دوطرف به یکدیگر حواله می‌شد. مخصوصا از جایی که حاتمی کیا عنوان کرد: «عادت دارم به تحویل نگرفتن فیلم‌هایم در جشنواره.» از این به بعد، پرسش‌ها بی‌ربط به فیلم خروج بود و بیشتر به حواشی چون ساکت ماندن کارگردان در قبال حوادث اخیر معطوف می‌شد. در این بین، فرامرز قریبیان برای دقایقی، کنترل جلسه را برعهده گرفت که این کنترل نیز با اعلام خداحافظی او با دنیای سینما و البته اعلام پشت‌پرده «اوری» ها در جشنواره فجر، بار دیگر نشست را به سمت حاشیه برد. گرچه باید اعتراف کرد که با این ترفند، بار روانی فشار، از روی حاتمی کیا برداشته و توجهات به سمت قریبیان و گفته‌هایش جلب شد.

آتابای

سومین ساخته سهیل بیرقی، اگرچه مانند دو ساخته قبلی کارگردان، چندان مورد استقبال مخاطبان و منتقدان قرار نگرفت، اما جنجال‌های فیلم، تا همین جا، بیشتر از آن دو فیلم قبلی است. عامه‌پسند قرار بود پایان ترملوژی زنانه بیرقی باشد اما فیلم نتوانست آن‌طور واضح و صریح، نماینده زنان دهه ۴۰ را به مخاطبش معرفی کند. بیش از آنکه به دنبال روحیات و تمامیت‌خواهی‌های زنان این نسل باشد که با زرق‌وبرق‌های مستقل دنیای امروز مواجه می‌شوند، به ظواهر این حقارت‌ها پرداخته است؛ ظواهری که در مقام سمبل هم نبودند. همین ظاهرسازی‌ها سبب شد حواشی بسیاری برای فیلم رقم بخورد که منجر به جنجال‌هایی هم شد؛ یکی از آنها این بود که فیلم در سینماهای مشهد نمایش داده نشد (هر چند در روزهای بعدی نمایش داده شد.) کارگردان اعلام کرد که در پاسخ به این اقدام، دقایقی از فیلم را در لایو اینستاگرام منتشر خواهد کرد. همچنین حساسیت‌هایی که نسبت به فاطمه معتمدآریا طی نقش آفرین در یک شهر کوچک به وجود آمد نیز به این جنجال‌ها دامن زد. درنهایت اما عدم حضور فیلم جزء ۱۰ اثر برتر از نگاه مردم و نامزد شدن تنها در یک بخش غیراصلی، پایانی بود بر تمام جنجال‌هایی که فیلم در جشنواره امسال تجربه کرد.

۱+۱۲ پدیده جشنواره
محمد کارت

محمد کارت چنانکه از پیشینه آثار کوتاهش مشخص بود، در «شنای پرانه» شکل نوینی از درام اجتماعی را تجربه کرد. گونه‌ای که طی سالیان اخیر، حیات خود را متکامل کرده و سالیانه با تفاوت‌های صریحی در شکل داده‌هایی که از اجتماع می‌دهد، آثار متفاوتی را در سینما خلق می‌کند. شنای پروانه شکل متفاوت درام اجتماعی این سال‌هاست. چندین طبقه اجتماعی را وارد روایتش می‌کند و به آسیب‌شناسی فرهنگی از آنها می‌پردازد. برای هیجان‌بخشی بیشتر به درام، از فکت‌های هنری استفاده نمی‌کند و می‌تواند شکل صریحی از جامعه‌ای که در آن هستیم، به تصویر بکشد. بیش از آنکه تابع درام باشد، ذهنیت آدم‌های اجتماع را مورد نقد قرار می‌دهد که نمود اصلی آن، نوع پایان‌بندی فیلم و نحوه انتقام قهرمان اثر (جواد عزتی) است؛ البته قهرمانی در شمایل یک قربانی. تمام قهرمان‌های فیلم به‌نوعی قربانی هستند. فیلم توانسته در این صراحت لهجه، فرم خوبی هم به کار بگیرد. دوربین، در خدمت روایت است و بیرون نمی‌زند. تدوین خطی کار به تناسب داستان و ریتم مداوم اثر کمک بسیاری کرده است. تلاش شده به برخلاف حرف جدید فیلم، شکل اغراق‌آمیزی از فرم و اجرا به مخاطب منتقل نشود. فیلم به‌شدت مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار گرفته به‌طوری که تا روزهای پایانی جشنواره، بیشترین سانس‌های فوق‌العاده، طبق اعلام دبیرخانه جشنواره، متعلق به این فیلم بود و البته بیشترین تعداد نامزدی هم به این فیلم تعلق گرفت. شنای پروانه توانست در سال‌هایی که عمده نگاه‌های اجتماعی‌سازان ما از فرهادی به روستایی تغییر فاز داده، نوعی استقلال هویت و نگاه را در سینمای ملی تجربه کند.

برادران ارک

برادران ارک پس از موفقیت‌های بسیاری که با فیلم‌های کوتاه خود در جشنواره‌های جهانی مواجه شدند، شهامت بسیاری به خرج داده‌اند که برای نخستین اثر بلند سینمایی خود سراغ سوژه‌ای چون افسانه‌های محلی سرزمین خود بروند. با توجه به مشخص بودن تکلیف روایت که تأسی بسیاری از افسانه‌های محلی داشت و خیال‌پردازی، سهم ویژه‌ای در سروشکل دادن به آن نداشت، تمرکز ویژه روی فرم صورت گرفته است. نوع تصویربرداری و موسیقی، کاملا در خدمت فرم نوینی است که پوست، به کار گرفته. تدوین، صداگذاری‌ها و نوع گریم، به باورپذیری بالایی می‌انجامد. در دوره‌ای که عمده فیلم‌های جشنواره، موقعیت‌هایی مشابه را تجربه کرده و از دغدغه‌های کلیشه‌ای فردی و اجتماعی خود سخن گفتند، آنچه برادران ارک در روایت و فرم پوست به کار گرفتند، بسیار عجیب و منحصربه‌فرد بود. این تفاوت‌های ساختاری سبب شده تا پوست، معیارهای استاندارد یک فیلم را پدیده را داشته باشد.

ادامه از صفحه ۱۲

نگاهی به عملکرد صداوسیما در جشنواره فیلم فجر

دست‌های خالی

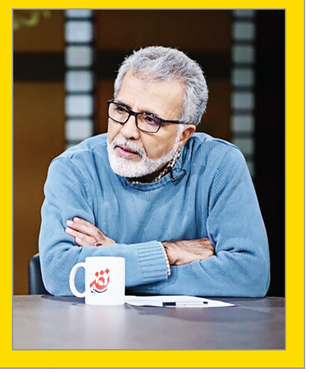

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

به‌رغم همه تلاش‌ها برای کم‌فروغ شدن جشنواره‌های فجر امسال، حضور و استقبال مردم و اهالی سینما، ورق را برگرداند. نزدیک به ۴۰ سال است که مهم‌ترین رویداد